



۲۰۱۴/۱۰/۰۴

م، نعیم بارز

## تبصره بر "دیموکراسی در بستر آزادی و قدرت"

### نوشته محترم دوکتور محمد اکبر یوسفی

در نوشته چنین آمده است «باید پذیرفت که ... سیستم دیموکراسی و سیستم های سیاسی - اجتماعی دیگر نه صادر و نه وارد شدنی اند. وقتی جناب محترم داکتر اکرم عثمان در مقاله پرمحتوای ایشان می نویسند که «کاش پای دیموکراسی قبل از رسیدن به مرز ما در نیمه راه می شکست و در چاه ویل سرنگون می گردید. . .» از آن جهت هم کاملاً حق به جانب استند که چنین یک ورود نا مشروع یکی از عوامل اینهمه نا بسامانی ها هم شمرده شده می تواند.»

گرچه در این ارتباط محترم داکتر صاحب سید عبدالله کاظم قبلاً پرداخته اند و خوب هم پرداخته اند و خوشبختانه هیچ وقت از کنار مسایل مهم چشم بسته نمی گذرند. اما معلوم می شود که محترم داکتر اکبر یوسفی به نقد محترم داکتر کاظم موافق نبوده بلکه به دفاع از موضع داکتر اکرم عثمان مقاله مفصلی نوشته اند.

اینجانب نیز بر طبق عادت در مسایل مهم اجتماعی بخصوص مربوط به افغانستان آنچه به نظرم ناجور آید نمی توانم بخاطر گل روی دوستان از آن چشم ببوشم. به این لحاظ خواستم چند نکته ای را خدمت محترم داکتر یوسفی به عرض رسانم:

\* - در باره اینکه گفته اند « سیستم ها نه صادراتی و نه وارداتی اند». از محترم آقای یوسفی می پرسم دیموکراسی که در آغاز زاده فرهنگ جامعه قبیله ای آتن بوده چگونه شد که اکنون در بخشی وسیع از جهان دامن گسترده است؟ شاید اطلاع داشته باشند که در بخش کلتور مصرف غذایی کچالو اولین بار در روم قدیم شناخته شده و مصرف آن در آغاز مریضی و تلفاتی را به همراه داشته، تا اینکه مردم به خوردن و هضم آن عادت کرده اند و امروز دیگر یکی از خوراکی های مردم سراسر جهان شده است.

در دنیای امروز هیچ کس گفته نمی تواند که در جهان، کشور و دولتی، دور از اثرات سیاست و فرهنگ جهان وجود دارد. وقتی تولیدات صنعتی و تجارت در غرب رشد کرد اندیشه های فلسفی و فرهنگ سیاسی نیز هم پای صنعت و تجارت تغییر کرد و رفته رفته به رغم همه مخالفت های صاحبان قدرت کهنه فیودالیزم، قدرت های جدید و دیموکراتیک از نوع (بورژوازی) جاگزین گردید. و گذشته از کشورهای غربی در آسیا نیز از جمله هند و کشورهای دور و بر هند و چین می توانند نمونه های برجسته ای به حساب آیند.

پس زمانیکه تولیدات صنعتی مدرن دنیای غرب در کشوری مثل افغانستان سرازیر می گردد، چگونه می شود ورود فرهنگ و تاثیرات سیاسی آن را مانع شد؟ و اینرا چگونه می توان توجیه کرد که ورود همه نعمات مادی غرب را در افغانستان پذیرفت ولی فرهنگ و سیاست آنرا رد نمود و به قول محترم داکتر اکرم عثمان آرزو کرد که «ای کاش پای دیموکراسی قبل از رسیدن به مرز ما در نیمه راه می شکست و در چاه ویل سرنگون می شد» آنهم در حالی که غرب با تمام نفوذ اش در افغانستان وجود دارد و آنهم در عصر انفورماتیک که نه دولت افغانستان و نه هیچ دولتی با هیچ وسیله ای قادر به جلوگیری از ورود تولیدات فکری فلسفی، و اجتماعی غرب نیست.

آیا مگر معاملات اقتصادی و تخنیکی با دولت شوروی سابق فرهنگ و سیاست آن کشور را با خود در افغانستان نیاورد؟ اینرا خواهند پذیرفت که از سیزده سال بدینسو مردم ما با مساعدت های دولت های غربی و در رأس دولت ایالات متحده آمریکا به زندگی شان ادامه داده اند، با این وضع آیا می شود با آنها گفت از کمک های مادی، تخنیکی و نظامی تان تشکر ولی به فرهنگ و نوع نظام و سیاست ما کاری نداشته باشید؟ احياناً هرگاه آنها بپذیرند، آیا ما توان آنرا داریم که با اتکا بخود همه امور زندگی

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

سیاسی و اجتماعی خود را به پیش بریم؟ انتخابات ریاست جمهوری اخیر ثابت ساخت که هنوز به چنین توانائی و اتکا به خود نرسیده ایم.

\* - محترم داکتر یوسفی با تائید موضع داکتر اکرم عثمان ورود دیموکراسی را در کشور «نامشروع و یکی از عوامل این همه نا بسامانی ها در کشور دانسته است. نشود به زعم خود نا مشروع بودن دیموکراسی سیزده سال اخیر را از مقایسه با مشروعیت انقلاب ۷ ثور ۱۳۵۷ و تجاوز نظامی شوروی ویا حکومت های همواره در جنگ داخلی مجاهدین و طالبان دریافته باشند؟

\* - آقای یوسفی می نویسند «در رابطه با وقایع اخیر کشور ما، دانشمند قدرتمند و نویسنده صاحب قلم و صاحب اندیشه وطن ما، جناب محترم داکتر اکرم عثمان در سایت «فردا» مقاله عالمانه و با متن زیبا بدست نشر سپرده اند که «پورتال افغان جرمن آنلاین» نیز آنرا منتشر ساخته و همین لحظه آنرا در لیست برگزیده های هفته مشاهده می توانیم».

در اینجا ناگزیرم نکاتی چندی از نوشته آقای یوسفی را که از نوشته داکتر اکرم عثمان توصیف نموده اند نقل کرده و در پای به نقد آن پردازم :- آقای یوسفی به تائید نوشته محترم اکرم عثمان چنین پرداخته است:

\* - (وطن بی قواره هشت ضلعی ما را فورمول بندی نموده که وضعیت کشور بحرانی ما را از آن جهت هم می توان بی قواره و هشت ضلعی. . . نامید» که در عرصه سیاست خارجی به جای منافع قدرت های قدیمی بزرگ یا استعمار کهنه در جریان این بحران بیش از سه و نیم دهه منافع هشت کشور که از آن بنام کشور های (۲+۶) نیز یاد می کنند، بطور برجسته تراکم نشان داده است. این حالت علاوه از اینکه در داخل کشور ما جنگ داخلی را تضمین و توسعه بخشیده است، در عرصه بین المللی نیز از دیر زمانی است که اثرات نا مطلوب بر اوضاع کشور ما و مناسبات مستقل آن در عرصه بیرونی از خود به جای گذاشته است. زیرا بدین ترتیب تأثیرات منفی چنین نفوذ خارجی دست و پای مردم ما را بسته نگاه داشته، به شمول هر نوع حاکمیت دولتی همزمان به مانند قید در یک حالت اسارت بار خاص و ناگوار به سر می برند. این وضعیت و تراکم منافع و فعالیت های کشور های خارجی از هر طرف که در عین زمان دیدگان داخلی تشنج در وطن ما را همیشه گرم حفظ نموده است به مثابه منافع عمده در راه برگشت صلح در کشور ما نیز شمرده شده می تواند. در جامعه چون افغانستان هر قدم اصلاحی از داخل جامعه باید با توجه خاص آغاز گردد با امکانات دست داشته موازی با حفظ صلح و ثبات در جامعه ای چنین راه را خود در پیش گرفت).

خواننده محترم ببخشند که نقل قول به درازا کشید. البته از یک صفحه مقاله هفت صفحه ای آقای یوسفی گرفته شده است، حال تا حوصله تان سر نرفته می پردازم به نقد و بررسی چند نکته از استدلال آقای یوسفی:

\* - نخستین توصیف از مقاله داکتر اکرم عثمان به زعم آقای یوسفی اینست که جناب داکتر عثمان با گفتن وطن بی قواره و هشت ضلعی افغانستان را تعریف خوبی نموده اند. من از آقای یوسفی می پرسم شما ویا محترم آقای داکتر عثمان بفرمایید که کجای وضعیت جغرافیایی افغانستان بد قواره است؟ آیا به سلیقه شما کوه ها، دره ها وادی ها، دریا ها و جنگلات، افغانستان را «بد قواره و هشت ضلعی» ساخته است؟ اگر آنچه از آن در بی قواره ساختن افغانستان یاد شده ولی از دید من و همه عاشقان طبیعت نهایت زیبایی افغانستان شمرده می شود و گرچه کشور ما بسیار بزرگ نیست مگر همین فراز و نشیب هایش و آب و هوا و پیداوار با کیفیت اش، سنگ های قیمتی و معادن گران بهایش و . . . همه خصوصیات یک قاره را به آن بخشیده است. بناءً نفهمیدم که از بی قواره و هشت ضلعی گفتن مقصد تان چیست؟

\* - اینکه آقای یوسفی می فرمایند: «در عرصه سیاست خارجی به جای منافع قدرت های قدیمی بزرگ یا استعمار کهنه در جریان این بحران بیش از سه و نیم دهه منافع هشت کشور . . . بطور برجسته تراکم نشان داده است، این حالت علاوه از اینکه در داخل کشور ما جنگ داخلی را تضمین و توسعه بخشیده است، در عرصه بیرونی از خود نیز از دیر زمانی است که اثرات نا مطلوب بر اوضاع کشور ما و مناسبات مستقل آن در عرصه بیرونی از خود به جای گذاشته است.»

\* - آقای یوسفی شما بجای استدلال حکم صادر می کنید. آیا گفته می توانید قبل از سیزده سال در اثر بیست و سه سال جنگ های داخلی و خارجی افغانستان در چه وضعیتی قرار داشت که به خیال شما هشت کشور بزرگ و استعمار نو از آن قصد بهره برداری را در سر داشته باشند، با چه دلیلی گفته می توانید که آنها جنگ های داخلی را تضمین و توسعه بخشیده، اند؟ چگونه

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

ممکن است در جریان جنگ داخلی کشور های بزرگ جهان از آن نفع ببرند؟ اگر اندک صادقانه و واقعبینانه به افغانستان پس از کودتا ها، تجاوز نظامی دولت شوروی سابق و جنگ های داخلی نگاه کنیم به خوبی می بینیم که هیچ چیزی نه تنها برای استفاده مادی دولت های خارجی باقی نمانده بود، بلکه حتی نان خشک برای خوردن و سرپناهی برای خوابیدن مردم کشور هم نمانده بود. از لحاظ سیاسی نیز افغانستان کاملاً تحت نفوذ دولت پاکستان و تروریزم بین المللی قرار گرفته بود. آمدن قوای ناتو و در رأس ایالات متحده آمریکا به افغانستان یک شانس طلایی گفته می شود و درست هم است و الا مردم فقیر ما با چه وسیله ای می توانستند آنهمه ویرانی ها را آباد و باز سازی نمایند؟ آخر یک ذره چشم و گوش ما را باز کنیم و انصاف داشته باشیم.

\* - آقای یوسفی اینرا درست گفته اید که محترم داکتر اکرم عثمان زیبا می نویسند، دیگران نیز اینرا می دانند و معلوم شده که جناب داکتر اکرم عثمان نویسنده و داستان نویس چیره دست اند و در دکلمه هم کم نظیر اند. ولی در مقاله زیر عنوان «ما و انتخابات ریاست جمهوری» که شما آنرا عالمانه گفته اید نفهمیدم کجای آنرا عالمانه دریافته اید. آیا بخاطر اینکه ضرب المثلی از کجی های اشتر متذکر شده و از آرزوی «لنگ شدن و افتیدن دیموکراسی در جای ویل» سخن گفته است؟ یا ناشی از خاطرات دلپذیر گذشته در دوران دولت «دیموکراتیک خلق افغانستان» که هر دو رفیق سیاسی و دیپلمات بودید؟».

\* - آقای یوسفی می نویسند «وضعیت و تراکم منافع و فعالیت های کشور های خارجی از هر طرف که در عین زمان دیدگان داخلی تشنج در وطن ما را همیشه گرم حفظ نموده است به مثابه منافع عمده در راه برگشت صلح در کشور ما نیز شمرده شده می تواند.»

آقای یوسفی، همه میدانند که اساساً دولت شوروی سابق با حمایت از کودتا چپان هفت ثور و بعد با لشکر کشتی قشون سرخ به افغانستان، کشور ما را به دیدگان شعله ور مبدل کرد که تا هنوز آتش آن خاموش نشده است.

\* - محترم آقای یوسفی باید اصطلاحات و کلمات را درست دریافته و در جای که مفهوم واقع شده بتواند بکار برید. مثلاً شما از تراکم منافع و فعالیت های کشور های خارجی ذکر نموده اید. از شما می پرسیم که این حرف ها به چه معنی است؟ و منافع خارجی در افغانستان از چه نگاه مطرح است؟ اقتصادی، سیاسی یا موقعیت ستراتیژیک؟ اگر موجودیت نیروهای خارجی را در افغانستان به مثابه مبارزه علیه تروریزم و در جهت تامین امنیت خود شان بدانید درست است اما اگر منظور تان منافع آنها از لحاظ اقتصادی باشد درست نیست، زیرا نه تنها هیچ نوع منافع اقتصادی در حال و حتی سال های دیگر برای آنها در افغانستان متصور نیست، بلکه ضرر و زیان نیز برای شان در بر داشته و خواهد داشت.

\* - گفته شده «در جامعه افغانستان هر قدر اصلاحی از داخل جامعه باید با توجه خاص آغاز گردد و با امکانات دست داشته موازی با حفظ صلح و ثبات در جامعه این چنین راه را خود در پیش گرفت.»

بهتر بود آقای یوسفی بجای نصیحت که گفته اند «توجه خاص آغاز گردد» رهنمود هایی ارائه می کردند که مطابق به شرایط کشور امکان عملی شدن می داشت. اینکه از «امکانات دست داشته» سخن گفته شده، باید امکانات را نشان می دادند که کدام امکانات داخلی را دولت افغانستان در اختیار داشته که از آن معاشات و مصارفات و کار پروژه ها را دنبال نماید، امکانات دست داشته ما کدام ها اند که از آن علیه فعالیت های تروریستی که از جانب پاکستان و ایران علیه افغانستان به راه انداخته شده کار گرفته شود که نتیجه بخش باشد؟

هیچ چیز به اندازه انتقادات ذهنی و غیر واقعی آسان نیست و هر نظریه ای اجتماعی که واقعیت های عینی و دایره امکانات و ممکنات را نشان ندهد کمکی به روند تغییر جامعه کرده نمی تواند.

\* - آقای محترم داکتر اکرم عثمان از دیموکراسی موجود در افغانستان تنفر نشان داده و در راه آمدنش به افغانستان آرزوی افتیدنش را در جای ویل (یک چاه که در جهنم است) نموده اند و آقای یوسفی نیز با ایشان همنوائی نشان داده اند.

\* - تعجب آور است که آقای یوسفی از یکسو با تکیه به کتاب تحقیقی علمی (جامعه آزاد و دشمنانش یا خردمندان در خدمت خود کامگان) کارل ریموند پوپر به دفاع از آزادی سخن گفته و از سوی دیگر جای مناسب برای دیموکراسی «چاه ویل جهنم» را می داند. اگر دیموکراسی در افغانستان ضعیف ها و کمبود ها از خود نشان داده، نورمال است. من در یکی از نوشته هایم قبلاً

گفته بودم و در اینجا باز هم به تکرار می گویم دیموکراسی کره یا چوچه اسب نیست که پس از تولد فوراً به پا ایستاد شده و به دیدن آغاز نماید. دیموکراسی در هیچ کجای از جهان به یکبارگی به ثمر نه نشسته، مثلاً حتی در کشور المان که از لحاظ اقتصادی، تکنیکی و نظامی در سطح عالی از رشد خود رسیده بود ولی چون از لحاظ اجتماعی هنوز کم و کاستی داشت فاشیسم هیتلری از درون جامعه سر بیرون آورد و دیموکراسی را به عقب زد، ولی با شکست رژیم هیتلری دیموکراسی دوباره به المان برگشت.

در زمان رژیم محمد ظاهر شاه نیز دیموکراسی در افغانستان بوجود آمد، اما چون ساخت و بافت جامعه آمادگی استفاده و حفظ آنرا نداشت با دست هایی از داخل و خارج به عقب زده شد. مگر پس از سه دهه دوباره برگشته و امیدواریم مردم آگاه و آزادی خواه کشور با همه خوب و بدش از آن حمایت نمایند.

آقای یوسفی به صورت مجرد از آزادی دفاع نموده اند، اما آزادی بدون دیموکراسی و دیموکراسی بدون ساختارهای حقوقی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بی مفهوم است. باید ساختارهایی در جهت عملی ساختن آزادی و دیموکراسی ایجاد گردیده و نهادینه شوند.

کارل ریموند پوپر، کاری شایان قدری که در کتاب تحقیقی «جامعه باز و دشمنانش» انجام داده است. اساساً دشمنان فکری فلسفی را در سیستم های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به نقد کشیده و ریشه های نژاد گرایی و نظام استبدادی را در فلسفه و نظرات سیاسی افلاطون، ارسطو، هیگل، و استبداد کمونیزم را در افکار کارل مارکس و مارکسیزم و استبداد دینی را در کتولیسیزم و غیره بر ملا ساخته است. اگر دوستان محترم حوصله مطالعه کتاب دو جلدی مذکور را نداشته باشند، من چند سال قبل به سلیقه خود نکات مهم آن کتاب را یادداشت نموده جهت نشر به سایت وزین «افغان جرمن آنلاین فرستادم که همین اکنون در آرشیف موجود است اقلأ می توانند آنرا از نظر بگذرانند و بعد راجع به دیموکراسی و سیستم های سیاسی اجتماعی به داوری بپردازند.

## پایان

---

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ